

ضرورت پاسخگویی قاطع،  
سنجیده و متناسب ایران

رژیم صهیونیستی به تهنایی فاقد ظرفیت‌های لازم و کافی برای پیشبرد سیاست‌های جنگ طلبانه، ترور، نسل‌کشی و خشونت در «بلندمدت» است. آنچه که بیش از ۷۵ سال این رژیم را سرپا نگه داشته و باعث استمرار جنگ طلبی آن شده است، عمدتاً به دو عامل بنیادین برمی‌گردد: نخست، حمایت کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا از رژیم صهیونیستی و دوم، انفعال کامل و خودباختگی برخی دولت‌های عربی در مقابل جنایات صهیونیستی‌ها. در پی جنایت تروریستی اخیر رژیم صهیونیستی در تهران و در شرایطی که رژیم صهیونیستی به هیچ «خط قرمز» اعتقاد ندارد و به‌طور آشکار، قوانین و مقررات بین‌المللی را زیر پا می‌گذارد و امنیت و حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در سایه سیاست‌های «جانبدارانه» یا «انفعالی» آمریکا و دولت‌های غربی نقض می‌کند، راه‌حلی جز «پاسخ قاطع، سنجیده و متناسب» وجود ندارد. امروز، پاسخ متناسب جمهوری اسلامی ایران به جنایت تروریستی رژیم صهیونیستی در تهران و به شهادت رساندن مسجل مقاومت، اسماعیل هنیه، فقط یک «انتخاب» نیست، بلکه «ضرورت» اجتناب‌ناپذیری است که از منطق حقوقی، سیاسی، امنیتی و حیثیتی محکمی برخوردار است؛ چراکه جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند در مقابل نقض تمامیت ارضی، امنیت، حاکمیت، عزت و اعتبار ملی، تعهداتی که در قبال جبهه مقاومت دارد و همچنین تهدید ثبات و امنیت در منطقه دست روی دست بگذارد. اگر چه صحبت از اصول حقوق بین‌الملل در مواجهه با رژیم صهیونیستی معنا و مفهومی ندارد و با این رژیم باید با همان زبان زور رفتار کرد، لیکن رژیم صهیونیستی در عملیات تروریستی اخیر در تهران چهار «اصل بنیادین» حقوق بین‌الملل را «نقض» کرد: ۱- اصل حق حیات به‌عنوان بالاترین حق بشری، ۲- اصل عدم توسل به زور، ۳- اصل احترام به حاکمیت دولت‌ها و ۴- اصل مصونیت رهبران سیاسی. لذا براساس منشور ملل متحد و سایر مقررات حقوق بین‌الملل، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان دولتی که قلمرو آن توسط رژیم صهیونیستی جنایتکار مورد تجاوز مسلحانه قرار گرفته است، به هر شکلی که تشخیص می‌دهد حق «دفاع مشروع» از خود را دارا می‌باشد. از نظر سیاسی، با جنایتی که رژیم غاصب در تهران مرتکب شد و یکی از میهمانان عالی‌رتبه مراسم تحلیف رئیس‌جمهوری اسلامی ایران را ترور کرد، وجهه و حیثیت سیاسی جمهوری اسلامی را «خدشه‌دار» نمود. این اعاده حیثیت، جز با پاسخ قاطع و متناسب برای خون خواهی احیا نمی‌شود. در این زمینه، اینکه مقامات غربی حاضر نشدند اقدام تروریستی رژیم صهیونیستی در تهران را محکوم کنند و ایران را به خویشن‌داری دعوت می‌کنند، شبیه یک طنز است. سوال این است، اگر چنین عملیات تروری در یکی از کشورهای اروپایی و یا آمریکا و علیه یک شخصیت سیاسی مهمان آنها و بعد از مراسم تحلیف ریاست‌جمهوری رخ می‌داد، چگونه پاسخ می‌دادند؟ آیا خویشن‌داری می‌کردند؟! در پایان توجه به دو نکته مهم ضروری است: یک؛ همان‌طور که مقام معظم رهبری اعلام کرده‌اند، جمهوری اسلامی ایران خون خواهی شهید اسماعیل هنیه را وظیفه خود می‌داند و در این زمینه ذره‌ای شک و تردید به خود راه نخواهد داد. خون خواهی شهید هنیه، چند ویژگی مهم خواهد داشت؛ اولاً کاملاً حساب‌شده، در زمان مناسب و فضای کاملاً عقلانی (تحلیل فایده-هزینه) و در راستای تأمین منافع و امنیت ملی و همچنین در نظر داشتن منافع جبهه مقاومت اسلامی، فلسطین و غزه انجام خواهد شد، به‌طوری که این پاسخ بیشترین سود و فایده و کمترین هزینه را داشته باشد. ثانیاً، برای رژیم صهیونیستی به اندازه‌ای دردناک و وحشتناک باشد که در ۷۵ سال گذشته آن تجربه نکرده است. ثالثاً، ضمن ارتقای توان «بازدارندگی» ایران، به یک جنگ فراگیر منطقه‌ای که صهیونیست‌ها ماه‌هاست دنبال آن هستند، منجر نشود. به عبارتی، هم رژیم صهیونیستی پاسخ سختی دریافت نماید و هم از وقوع یک جنگ فراگیر که مطلوب صهیونیست‌هاست، جلوگیری شود. دوم؛ جمهوری اسلامی ایران در انتقام و پاسخ خود، حتماً شرایط مردم غزه را هم در نظر دارد و اینکه این پاسخ و پیامدهای ناشی از آن، بتواند در صورت امکان منجر به عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی از غزه و پایان جنگ شود.



## گرفتار میان غرب و شرق

گرجستان در آستانه برگزاری انتخابات پارلمانی در حفظ وضع موجود در روابط با روسیه و غرب با مشکل مواجه شده است

قانون بار دیگر در سال ۲۰۲۴ ارائه شد و در پارلمان تصویب شد. اما زورابیشویلی آن را وتو کرد. حزب رویای گرجستان اما اقتدر رای داشت تا وتوی زورابیشویلی را معلق کند. در نهایت این قانون در تاریخ سوم ژوئن به تصویب نهایی رسید. قانون عوامل خارجی عامل اصلی دودستگی در دولت نبود اما شکاف و دودستگی در عرصه سیاسی گرجستان را که از زمان آغاز جنگ روسیه و اوکراین ایجاد شده بود، برجسته‌تر کرد و حالا در حالی که انتخابات در راه است، به نظر می‌رسد که این شکاف‌ها در حال عمیق‌تر شده است و زورابیشویلی نیز اعلام کرده در این انتخابات مردم گرجستان با یک انتخاب حیاتی مواجه هستند که آیا می‌خواهند در سمت اروپا بایستند و یا در سمت روسیه. نکته مهم این است که حمایت مردمی از حزب رویای گرجستان به شدت افول کرده و به ۲۲ درصد رسیده است. تصویب قانون عوامل خارجی و حمایت این حزب از آن اثر زیادی در تغییر افکار عمومی به ضرر این حزب داشته است. هر چند این حزب در مقایسه با دیگر احزاب گرجستان همچنان محبوب‌ترین است. همه این تحولات نشان می‌دهد که انتخابات پیش رو از اهمیت و حساسیت زیادی برخوردار است. احزاب گرجستان سعی می‌کنند حمایت غرب را همچنان حفظ کنند و در عین حال پنجره را برای بهبود روابط با مسکو باز بگذارند. گرجستان سال‌هاست که از سوی غرب برای اجرای برخی اصلاحات سیاسی تحت فشار است. این کشور همچنین فشار زیادی را از سوی غرب تحمل کرده تا به کمپین تحریم‌های ضدروسی بیبوند و به‌عنوان مرکزی برای مبادله

مسکو ابراز می‌کنند. حتی دولت گرجستان نیز در این خصوص به دو گروه تقسیم شده است. حزب رویای گرجستان که اکثریت کرسی‌های پارلمان را در اختیار دارد، کارش را با گرایش چپ‌گرایانه متمایل به غرب شروع کرد. البته برخی از سیاستمداران این حزب هر جمله رئیس‌جمهور گرجستان، سالومه زورابیشویلی، مواضع حمایت‌آمیزی در خصوص روسیه مطرح کرده‌اند. هر چند زورابیشویلی به‌عنوان کاندیدای مستقل در انتخابات سال ۲۰۱۸ وارد رقابت‌ها شد اما حزب رویای گرجستان از او حمایت کرد. شکاف در درون گرجستان در خصوص روابط با روسیه حداقل از سال ۲۰۲۳ ظهور و بروز یافت. محور این شکاف بیشتر حول مسئله قانون «عوامل خارجی» بود. این قانون رسانه‌ها و سازمان‌های غیردولتی را که بیش از ۲۰ درصد درآمدشان را از منابع خارجی کسب می‌کنند را ملزم می‌کند که باید تحت نظارت دولت گرجستان درآیند. این قانون در ابتدا از سوی حزب رویای گرجستان و در اوایل سال ۲۰۲۳ پیشنهاد شد اما بعد از اعتراضات گسترده مردمی در تقلیس، لغو شد. منتقدان از جمله خانم زورابیشویلی معتقد بودند که این قانون موجب می‌شود که دولت نفوذ خود را بر رسانه‌ها و ان‌جی‌اوها تثبیت کرده و کنترل آنها را به دست بگیرد و در نتیجه این قانون می‌توان تلاش‌های گرجستان برای پیوستن به اتحادیه اروپا را دچار مشکل کند. او همچنین معتقد بود که این قانون شباهت بسیاری به قانون‌هایی دارد که روس‌ها تمایل به تصویب‌شان دارند. بیش از ۱۰ هزار ان‌جی‌او در گرجستان مشغول به فعالیت هستند و بسیاری از آنها از سوی اتحادیه اروپا حمایت می‌شوند. لایحه این

اینطور به نظر می‌رسد که گرجستان در آستانه برگزاری انتخابات پارلمانی در ماه اکتبر، سعی می‌کند در روابط خود با روسیه و غرب بازبینی‌هایی صورت دهد. پس از جنگ سال ۲۰۰۸ بین گرجستان و روسیه، تقلیس روابط بسیار پرتنش‌ی را با مسکو تجربه کرد اما همواره در طول این سالیان سعی کرده اقتدر به غرب نزدیک نشود که مسکو بیش از اندازه تحریک شود. اما حالا، برخی از نخبگان سیاسی گرجستان چنین رویکردی را مورد انتقاد و حمله قرار داده‌اند. در تاریخ چهارم آگوست، حزب جدیدالتاسیس همبستگی برای صلح، که سال گذشته اعلام موجودیت کرد، درخواست مذاکره با مسکو برای برقراری مجدد روابط دیپلماتیک را مطرح کرد. در این میان، حزب حاکم «رویای گرجستان» اعلام کرد که همه تلاش خود را به کار خواهد بست تا به اتهامات میخائیل ساکاشویلی، رئیس‌جمهوری اسبق گرجستان در شعله‌ور کردن آتش جنگ میان روسیه و گرجستان رسیدگی شود. این مواضع نشان می‌دهد که در درون عرصه سیاسی گرجستان، نوعی جنگ قدرت در جریان است که می‌تواند این واقعیت را منعکس کند که از این به بعد دیگر حفظ وضع موجود تعادل در روابط گرجستان با غرب و روسیه قابل مدیریت نیست و این الکلنگ در نهایت باید به یک سمت گرایش داشته باشد. گرجستان مدت‌هاست که بین روسیه و غرب در نوسان و رفت و آمد است. برخی از چهره‌های سیاسی گرجستان نظرات کاملاً متفاوتی با برخی دیگر از هم‌تایان‌شان در خصوص روابط با

## تسرور و...

## تحلیل انستیتو واشنگتن: آیا

## محاسبه با فرمول ایران؟

فارغ از تمایل اسرائیل برای احیای بازدارندگی، مقامات تل‌آویو و واشنگتن باید به این فکر کنند که پاسخ احتمالی ایران و حزب‌الله چگونه خواهد بود. هر دو طرف مجبورند با دقت بیشتری به چگونگی اقدام خود در برابر تلاش طولانی‌مدت تهران برای ایجاد «حلقه آتش» به دور اسرائیل فکر کنند. با این حال، حتی اگر آنها تصمیم بگیرند که در بلندمدت محتاط‌تر رفتار کنند، چه‌بسا مجبور باشند در کوتاه‌مدت واکنش نشان دهند که این امر خطر اشتباه محاسبه بیشتر را افزایش می‌دهد. از نظر ایران، باید به ترور هنیه پاسخ قابل توجهی داد زیرا این اتفاق در تهران رخ داده و اعتبار امنیتی تهران را زیر سوال برده است. از نظر حزب‌الله، ترور شکر کمتر تحقیرآمیز و بیشتر یادآور آسیب‌پذیری‌های حیاتی اطلاعاتی این گروه در برابر اسرائیل است. مسلم است که حزب‌الله هم مانند ایران، به‌دنبال شناسایی نشت‌های اطلاعاتی و جاسوس‌ها در دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی خود در روزهای آینده خواهد بود. با این حال، آن‌ها همچنین دیر یا زود، خواستار وارد آوردن هزینه بر اسرائیل هستند به نظر نمی‌رسد که نه تهران و نه حزب‌الله خواستار جنگ با اسرائیل باشند، اما آن‌ها نیز نیاز دارند تا ضعف خود را جبران کرده و از این ماجرا قدرتمند بیرون بیایند. در مورد نوع تلافی جویی که ممکن است انجام دهند، باید گفت که تهران و حزب‌الله توانایی انجام حملات دقیق مشابه بر روی شخصیت‌های ارشد اسرائیلی را ندارند. با این حال، آن‌ها می‌توانند با رگبار موشک‌ها و راکت‌ها به اسرائیل حمله کنند. ایران چه‌بسا حملات هم‌زمانی با حزب‌الله، حوثی‌ها در یمن، و نیروهای نیابتی خود در عراق برنامه‌ریزی کند، با امید به اینکه برخی از موشک‌ها و پهپادهای آنها از سد پدافند هوایی اسرائیل عبور کنند یا دست‌کم، ذخایر موشک‌های رهگیر پدافند اسرائیل را خالی کنند. حمله ماه آوریل ایران به اسرائیل شامل یک دور حمله موشکی باستیک و کرور بود، بنابراین تهران چه‌بسا این بار انجام چند دور حمله را در نظر داشته باشد تا نشان دهد که دارد از نردبان تشدید بالا می‌رود.

در نگاه نخست، تنها نکته اشتراک بین دو عملیات ترور اخیر اسرائیل، که فرمانده ارشد حزب‌الله، فواد شکر را در بیروت، و اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس را در تهران هدف گرفت، این بود که هر دو از اعضای ارشد «محور مقاومت» نزدیک به ایران بودند. حمله به شکر آسان‌تر قابل توضیح است: اسرائیل او را مسئول حمله موشکی ۲۷ ژوئیه به مجدل‌الشمس می‌دانست. با این حال، در حالی که آن حمله چندین خط قرمز را رد کرد، اسرائیل همچنان نمی‌خواست جنگ تمام‌عیاری را بر سر آن با حزب‌الله آغاز کند از این رو ترجیح داد به‌جای حمله‌ای گسترده با تلفات غیرنظامی سنگین، حمله هدفمندی انجام دهد که هزینه محسوسی را بر حزب‌الله تحمیل می‌کرد. این رویکرد، پرسش «پس از این چه می‌شود؟» را برای حزب‌الله ایجاد می‌کند. در حالی که نشان داد اسرائیل همچنان بر این گروه و حرکات آن اشراف اطلاعاتی دارد. ترور هنیه بیشتر غافلگیرکننده بود. اول به این دلیل که گزارش شده بود او اصلی‌ترین میانجی قطر در مذاکرات جاری برای آزادی گروگان‌هایی بود که در ۷ اکتبر رها شده بودند، و همچنین به این دلیل که او در آن زمان در ایران به سر می‌برد. اسرائیل هنوز اعتراف نکرده که عامل حمله در مرکز تهران است، اما ماهیت عملیات و هویت هدف به ایفای نقش اسرائیل اشاره دارد. ترور هنیه در آنجا برای ایران بسیار گران تمام شد. هنیه در آن روز با مقامات عالی‌رتبه ایرانی دیدار کرده بود و برای شرکت در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان در تهران به سر می‌برد. این مسئله تهران را وادار می‌کند که به نحوی پاسخ دهد.